

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: تجربیات شبه مرگ، راستی آزمایی و امکان عقلی و دینی

مهناز سهرابی^۱

سرکار خانم نجمه رضوی^۲

چکیده

پدیده‌ی تجربیات شبه‌مرگ، (Death Experiences-Near) در دهه‌های اخیر توجه بسیاری از پژوهشگران حوزه‌های مختلف علم، فلسفه و دین را به خود جلب کرده است. هدف این مقاله بررسی امکان راستی‌آزمایی و تحلیل عقلانی و دینی این تجربیات است. ابتدا با مفهوم‌شناسی این تجربه‌ها، دیدگاه‌های مختلف درباره ماهیت آن‌ها بررسی و نقد شد. سپس امکان عقلی وجود چنین تجربه‌هایی تحلیل گردید و و برخی دیدگاه‌ها مورد نقد قرار گرفتند، در بخش دوم، جنبه‌های دینی این تجربیات مورد بحث قرار گرفت. در اسلام، بررسی تطبیقی این تجربیات، از نظر شباهت‌ها و تفاوت‌ها با نمونه‌های دینی و عالم برزخ صورت گرفت. همچنین رویکرد ادیان دیگر از جمله؛ مسیحیت، هندوئیسم و بودیسم نیز، نسبت به تجربیات شبه‌مرگ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که با وجود تفاوت‌های فرهنگی و دینی، این تجربیات در بسیاری از سنت‌های دینی پذیرفته شده و با مفاهیمی مانند: معاد، تناسخ، کارما و حیات پس از مرگ ارتباط دارند. در نهایت، بر اساس یافته‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که تجربیات شبه‌مرگ نه تنها از منظر عقلانی قابل تأمل‌اند، بلکه پشتوانه‌هایی در سنت‌های دینی نیز دارند و ظرفیت ایجاد گفت‌وگوی بین‌رشته‌ای میان علم، فلسفه و دین را فراهم می‌کنند.

کلید واژه‌ها: تجربیات شبه مرگ، خروج از بدن، عالم برزخ، راستی آزمایی، حیات پس از مرگ، امکان

عقلی معاد

^۱. طلبه پایه پنجم، سطح دو، حوزه علمیه فاطمه زهرا سلام الله، mahsohrabi55@gmail.com

^۲. مدرس حوزه، استاد راهنمای مقاله

مقدمه

یکی از شگفت انگیزترین و بحث برانگیزترین پدیده‌های مرتبط با انسان، تجربه‌های نزدیک به مرگ است. این تجربیات که ذهن انسان را همواره به چالش کشیده، شامل: احساس خروج از بدن، عبور از تونلی روشن، مواجهه با موجوداتی نورانی و یا دیدن اقوام در گذشته است. تجربیات شبه مرگ، در میان فرهنگ‌ها و اعتقادات مختلف به صورت گسترده‌ای گزارش شده، و در طول تاریخ به عنوان شواهدی از حیات پس از مرگ و ارتباط با عالم غیب مورد توجه قرار گرفته است.

در متون دینی و در قرآن کریم، داستان‌هایی مانند زنده شدن عزیر نبی پس از ۱۰۰ سال «۲۵۹ بقره و ۳۰ توبه» و زنده شدن مردگان توسط حضرت عیسی (علیه السلام) «۴۹ آل عمران» و... به عنوان شاهی از امکان بازگشت به زندگی ذکر شده است. در تاریخ باستان افلاطون در کتاب جمهور، داستان سربازی را نقل می‌کند، که پس از مرگ موقت و بازگشت دوباره به زندگی مشاهدات خود را بازگو می‌کند. گزارش بررسی‌های علمی در مورد این پدیده، نخستین بار توسط ریموند مودی «Raymond Moody» در کتاب زندگی پس از زندگی در سال ۱۹۷۵ منتشر شد؛ سپس در سال ۱۹۷۸ نهادی با نام انجمن مطالعات علمی تجربیات نزدیک به مرگ فعالیت خود را آغاز کرد.

در زمینه بررسی تجربیات شبه مرگ، آثاری در حوزه‌های دینی، روانشناختی و فلسفی نگاشته شده است. مقاله «نقدی بر واقع‌نمایی تجربیات شبه مرگ بر اساس آموزه‌های قرآن و روایات» نوشته عباس گوهری، با رویکردی کلامی و بر مبنای آموزه‌های قرآنی روایی، به بررسی تجربیات شبه مرگ پرداخته است. نقطه قوت مقاله، تحلیل‌های دقیق دینی آن و ارائه شواهد قرآنی و حدیثی است. با این حال، نویسنده از منظر عقلانی و فلسفی چندان وارد بحث نشده و فقط دیدگاه چند روانشناس نقد کرده است. در کتاب «تبیین و ارزیابی دیدگاه‌ها در الهیات پسامدرن» نوشته دیویدری گریفین، با ترجمه حمید رضا آیت‌اللهی، تبیینی از انواع نگرش‌ها در الهیات پسامدرن و ارزیابی آنها ارائه می‌شود و به مباحثی چون؛ خدا در جهان پسامدرن، اهمیت انسان، تکامل و خداآوری، زنده انگاری و حیات پس از مرگ اشاره می‌کند. نویسنده با وجود اینکه تجربیات شبه مرگ را چشمگیرترین شاهد بر وجود حیات پس از مرگ می‌داند، اما با این حال این بحث را بطور مختصر و فشرده بیان کرده است. همچنین مقاله «بررسی چیستی تجربه نزدیک به مرگ و نقد دیدگاه‌های متناظر با آن» از محبوبه ساعی و علی نقی قاسمیان نژاد، بیشتر به جنبه‌های عقلانی پرداخته و جنبه‌های دینی این تجربیات بصورت کلی بیان شده است.

در این مقاله سعی خواهیم کرد، تجربه‌های نزدیک به مرگ را از نظر امکان عقلی؛ از دیدگاه‌های علمی، فلسفی و روانشناختی و همچنین میزان تایید پذیری آنها را در بستر دین و منابع الهی، مورد بررسی قرار دهیم و در نهایت خواهیم دید که آیا می‌توان این پدیده را به عنوان امری واقعی و معتبر پذیرفت، یا آن را در حد بازتابی از فعالیت ذهنی انسان در لحظاتی حساس نگه داشت.

مفهوم شناسی واژه‌های مرگ تجربیات شبه مرگ

مرگ، یکی از موضوعات بنیادی فلسفه دین و روانشناسی است. در لغت به معنی درگذشت، وفات، اجل، نیستی، «دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴، ص ۲۱۷۴۵» التحقيق، درباره معنای مرگ می‌گوید: مرگ، فقدان حیات است. «مصطفوی، ج ۱۱، ص ۱۹۷» در مجمع البحرين مرگ به معنای سکون «طریحی، ج ۲، ص ۲۲۳» و در لسان العرب به معنای ضد حیات «ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲ ص ۹۰» است. در اصطلاح، مرگ در مقابل زندگی است و نامی برای جدایی روح از بدن، که در زبان عربی با واژه‌هایی مانند: «موت»، «ممات» و «توفی» بیان شده است. در اندیشه اسلامی، مرگ به عنوان انتقال از دنیا به برزخ و سپس به آخرت در نظر گرفته می‌شود و این مفهوم در قرآن و روایات، یک حقیقت اجتناب ناپذیر و قطعی است. واژه مرگ، با مشتقاتش ۱۶۵ بار در قرآن کریم ذکر شده، در خطبه ۱۰۶ و ۱۵۶ نهج البلاغه نیز با عبارت «الموت غایه» و «بالموت تختم الدنيا» بیان شده است. واژه شبه، به معنای مانند، مثل «دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۹، ص ۱۴۱۳۸» و برای اشاره به چیزی به کار می‌رود که شباهت زیادی به آن دارد اما خود آن چیز نیست. واژه «شبه مرگ» به شرایطی اشاره دارد که فرد در آستانه مرگ قرار دارد اما هنوز به طور کامل نمرده است و «تجربیات شبه مرگ» تجربیاتی است که؛ فرد در زمانی که علائم حیاتی او به حداقل رسیده؛ مثل زمان توقف ضربان قلب یا کاهش شدید فشار خون، و آن را تجربه می‌کند. این تجربیات شامل: احساس خروج از بدن، وارد شدن به تونلی نورانی، احساس آرامش و بی‌دردی، مرور زندگی از بدو تولد، اکراه از بازگشت و ... است و می‌توانند درک انسان را از مرگ تغییر داده و اثر قابل توجهی بر روند زندگی فرد تجربه‌گر بگذارد.

۱. جنبه‌های عقلانی تجربیات شبه مرگ

برای راستی آزمایی تجربیات شبه مرگ، ابتدا نظریات و دیدگاه‌های دانشمندان و محققان را در بخش‌های علمی، فلسفی و روانشناسی، مورد بررسی قرار می‌دهیم. در این میان برخی دیدگاه‌ها را می‌توان پذیرفت، اما برخی دیگر را نقد خواهیم کرد؛

۱-۱. دیدگاه علمی

به اعتقاد برخی دانشمندان، تجربیات شبه مرگ در نتیجه فعالیت‌های مغزی در شرایطی خاص است. برای نمونه؛ زمانی که اکسیژن مغز کاهش پیدا می‌کند، یا واکنش‌های شیمیایی خاصی در مغز رخ می‌دهد، این مشاهدات برای فرد به وجود می‌آید. سوزان بلک مور (susan blackmore) معتقد است؛ چیزی به نام تجربه نزدیک به مرگ وجود ندارد و این مشاهدات، فعالیت‌های مغزی و روانی است؛ که از ناخودآگاه فرد نشئت می‌گیرد. به عقیده او این دلیل متقنی برای اثبات وجود حیات پس از مرگ، نخواهد بود و تنها ارزش روانی برای تجربه گر دارد. این نظریه مادی گرایانه، این تجربیات را از نظر فیزیولوژی اعصاب تبیین می‌کند و تنها دلیل بسیار ضعیفی برای حیات بعد از مرگ ارائه می‌کند. در این مقاله، تفاسیر این دیدگاه‌ها برای تبیین این گونه تجارب را، در بخش نقد آنها بیان می‌کنیم.

۱-۲. دیدگاه فلسفی

برخی فیلسوفان و متفکران دینی این تجربیات را نشانه‌ای از وجود روح و حیات پس از مرگ می‌دانند، با توجه به شباهت‌های بسیار زیادی که در بین گزارش‌های افراد تجربه‌گر مشاهده شده، این دیدگاه، این تجربیات را یک واقعیت مستقل از مغز می‌داند. نظریه عالم مثال سهروردی، تلاش می‌کند این تجربیات را در چارچوب متافیزیکی توضیح دهد. شیخ اشراق، نخستین فیلسوفی است که نظریه عالم مثال را با عنوان «جهانی بین عالم عقل و عالم ماده» بنیان نهاد. صورت‌های جوهری که در این عالم وجود دارد مادی نیستند، بلکه کالبدی مثالی دارند، اما در عین حال از کم و کیف و برخی ویژگی‌های جسمانی مانند: رنگ، شکل، و حواس ظاهری برخوردارند. شیخ اشراق، با توجه به عالم مثال، بسیاری از مسائل اعتقادی دینی و فلسفی را تبیین کرده است. در این نظریه، جهانی تصویرسازی می‌شود که ویژگی‌های آن همخوانی زیادی با مشاهدات افراد تجربه‌گر داشته، پس می‌تواند تبیین معقول‌تری از این تجارب را ارائه کند.

۱-۳. دیدگاه روانشناسی

به اعتقاد روانشناسان، تجربیات شبه مرگ می‌تواند تاثیرات عمیقی بر فرد داشته باشد. تاثیراتی مانند: تغییر نوع نگرش فرد، افزایش حس معنویت و کاهش ترس از مرگ و... به گفته ریموند مودی «Raymond moody» روانپزشک و نویسنده «کتاب زندگی پس از زندگی» توصیفات افراد تجربه‌گر،

بدون توجه به سن، کشور، فرهنگ یا عقیده فرد اغلب یکسان است و حتی مواردی وجود دارد؛ که افراد نابینا از بدو تولد، تجربه مشابهی را با همان تصاویر بصری مربوط به سایر تجربه گران، تجربه کرده‌اند و یک پیامد بسیار مهم که در همه این افراد مشاهده می‌شود؛ آن است که تجربه نزدیک به مرگ همیشه باعث دگرگونی مثبت شخصیت می‌شود و این بازگشت به خود، تغییرات پیچیده، عمیق و پایداری را به همراه دارد.

۲. در نقد دیدگاه مادی گرایانه تجربیات شبه مرگ

همانطور که در جنبه علمی تجربیات شبه مرگ بیان شد، دیدگاه مادی‌گرایانه، تجربیات شبه مرگ را به عنوان شواهدی بر وجود حیات پس از مرگ در نظر نمی‌گیرد. با توجه به اینکه این تجارب به صورت گسترده مورد توجه محققان و جوامع بشری قرار گرفته، لذا معتقدین به این دیدگاه تفاسیری را بیان می‌کنند، تا علل پیدایش NDE را مادی نشان دهند. این تفاسیر را در دو بخش پزشکی فیزیولوژیک و روانشناختی مورد بررسی قرار می‌دهیم؛

۲-۱. تفسیرهای پزشکی و فیزیولوژیک

مادی‌گرایان، این تجارب را ناشی از فعل و انفعالات مغزی می‌دانند و تبیین‌های مختلفی را برای این دیدگاه ارائه می‌کنند، از جمله؛

- کاهش اکسیژن و افزایش دی‌اکسید کربن: از نظر پزشکی، با کاهش اکسیژن و افزایش دی‌اکسید کربن، فرد دچار مرگ مغزی می‌شود و ممکن است در همین زمان مشاهداتی داشته باشد که با تنظیم اکسیژن و دی‌اکسید کربن دوباره به زندگی برگردد و مشاهدات خود را بازگو کند. در پاسخ به این دیدگاه باید گفت: تنها زمانی می‌توان مرگ مغزی را عامل NDE دانست، که بیمار بر اثر ایست قلبی در شرف مرگ قرار گیرد، اما نکته اینجاست که در گزارش‌های مربوط به تجربیات شبه مرگ، مواردی مشاهده شده که فرد در اثر سقوط از ارتفاع یا تصادف و یا بیماری‌هایی مانند سرطان و ... این مشاهدات را داشته و در آنها کاهش اکسیژن مطرح نبوده است.

از سوی دیگر، بسیاری افراد که دچار ایست قلبی شدند، چنین تجربه‌ای را گزارش نکرده‌اند، همچنین در میان تجربه گران کسانی بودند که این رویداد زمانی برای آنها اتفاق افتاده که در بیمارستان بوده و سطح اکسیژن شان قابل کنترل بوده است. بنابراین نمی‌توان گفت که کاهش اکسیژن و افزایش دی‌اکسید کربن، یکی از علت‌های معقول برای تجربیات NDE باشد و باید بیشتر مورد بررسی قرار بگیرد.

کارما^۱ و چرخه تولد و مرگ (سامسارا) ارتباط نزدیک دارند. در برخی گزارش‌های NDE در فرهنگ‌های هندو، فردی که در آستانه مرگ قرار گرفته، روایت می‌کند که، توسط مأموران یاما به دنیای پس از مرگ برده شده، اما پس از بررسی سوابق کارمایی، مشخص شده که اشتباهی رخ داده و او به دنیا بازگردانده شده است. این عنصر "اشتباه در هویت روح" در میان تجربه‌کنندگان هندو رایج‌تر از سایر سنت‌هاست. همچنین در این تجربه‌ها، فرد ممکن است نیاکان، خدایان یا موجودات الهی را ببیند، یا وارد قلمروهایی شود که با توصیفات از لوکاهای^۲ مختلف (مانند Svarga یا Naraka) در متون مقدس هندو هماهنگی دارد. برخلاف سنت مسیحی که در آن داوری، اغلب توسط خدا انجام می‌شود، در هندوئیسم، قضاوت بیشتر بر پایه قوانین دقیق کارما و وظایف دارما^۳ صورت می‌گیرد. مطالعات نشان داده‌اند که، تجربیات شبه‌مرگ در هند از نظر محتوایی با تجربه‌های غربی متفاوت هستند و بیشتر با روایت‌های فرهنگی و دینی بومی هم‌خوانی دارند. برای مثال، بروس گریسون و همکارانش در مطالعات تطبیقی اشاره کرده‌اند که، تجربه‌های هندو، اغلب شامل ساختارهای دینی، سنتی و نمادهایی فرهنگی خاص آن منطقه است.

در بودیسم، به‌ویژه در شاخه تبتی، گفته می‌شود که پس از مرگ، ذهن وارد مرحله‌ای به نام باردو می‌شود. این مرحله حالتی بین مرگ و تولد دوباره است. در این وضعیت، فرد ممکن است صحنه‌هایی از زندگی گذشته خود را ببیند؛ چیزی شبیه به آنچه در برخی تجربه‌های شبه‌مرگ گزارش می‌شود، که به آن مرور زندگی می‌گویند. اما این مرور زندگی، مانند یک داوری از سوی خدا یا موجودی برتر نیست. بلکه ذهن خود فرد، اعمال خوب و بد گذشته را به او نشان می‌دهد. این تجربه بیشتر برای درک تأثیر کارما (قانون علت و معلول) است؛ یعنی اینکه چگونه رفتارهای گذشته بر زندگی آینده تأثیر می‌گذارند. در پژوهش‌های علمی، مانند تحقیقات دکتر بروس گریسون، آمده که برخی افراد بودایی که تجربه شبه‌مرگ داشته‌اند، دیده‌اند که چگونه رفتارشان بر دیگران اثر گذاشته است. این دیدن، باعث احساس مسئولیت، شفقت یا حتی پشیمانی شده و نگرش آن‌ها به زندگی را تغییر داده است.

نتیجه‌گیری

^۱ کارما (Karma): قانون علت و معلول اخلاقی؛ هر عمل خوب یا بد تأثیری در سرنوشت کنونی یا آینده فرد دارد.

^۲ لوکا (Loka): به معنای جهان یا قلمرو هستی؛ در هندوئیسم جهان‌های مختلفی برای حیات پس از مرگ وجود دارد.

^۳ دارما (Dharma): به معنای وظیفه یا راه درست زندگی؛ مجموعه‌ای از قوانین اخلاقی و اجتماعی که بر اساس نقش فرد در زندگی تعیین می‌شود.

تجربیات شبه‌مرگ، از جمله پدیده‌هایی است، که مرز میان علم، عقل، و دین را به چالش می‌کشد. در این مقاله تلاش شد تا با مفهوم‌شناسی دقیق این تجربه‌ها و تحلیل دیدگاه‌های عقلانی و نقد آن‌ها، امکان راستی‌آزمایی این پدیده، از منظر عقل بررسی شود. نتایج نشان داد که؛ گرچه برخی تبیین‌های مادی‌گرایانه این پدیده را به فعالیت‌های مغزی و روان‌شناختی تقلیل می‌دهند، اما تبیین‌های عقلانی دیگری نیز وجود دارند که بر اساس شواهد، امکان واقع‌نمایی این تجربیات را تقویت می‌کنند.

در بخش دوم، با بررسی تطبیقی رویکرد ادیان مختلف به این پدیده، روشن شد که در اسلام، مفاهیم مرتبط با عالم برزخ و مسأله معراج پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و نمونه‌های دیگری از زنده شدن افراد، زمینه‌ای نظری و الهیاتی برای تجربه‌هایی فراتر از مرگ جسمانی، فراهم می‌کند. این مفاهیم ناظر به نوعی آگاهی و حضور فرد در عالمی دیگر هستند که در توصیف‌های افراد دارای تجربه شبه مرگ، بازتاب می‌کند. در مسیحیت، هندوئیسم و بودیسم، نوعی پذیرش ضمنی یا تصریحی نسبت به امکان تجربه آگاهی، پس از مرگ وجود دارد؛ هرچند تفاوت‌هایی در تفسیر و غایت این تجربیات در سنت‌های دینی مختلف مشاهده می‌شود.

در مجموع می‌توان گفت؛ تجربیات شبه‌مرگ، هم از منظر عقلانی و هم از منظر دینی، ارزش بررسی و تأمل دارند و نمی‌توان آن‌ها را صرفاً به عنوان پدیده‌های توهمی یا غیرواقعی کنار گذاشت. این امر نه تنها به درک بهتر از مرگ و حیات پس از آن کمک می‌کند، بلکه امکان گفت‌وگوی میان‌رشته‌ای میان علم، فلسفه و دین را نیز فراهم می‌آورد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، تجربیات افراد از فرهنگ‌ها و سنت‌های دینی متنوع‌تری مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان به فهم جامع‌تر و عمیق‌تری از این پدیده رسید.

فهرست منابع:

*قرآن

۱. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح غرر الحکم (خوانساری)، تهران، دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ ۱۳۶۶ش

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، چاپ سوم، ج ۱۵، بیروت، دارالنکر للطباعة و النشر و التوزیع
دار صادر ۱۴۱۴ ق

۳. العروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعه، **تفسیر نور الثقلین**، قم، اسماعیلیان ۱۴ ۱۵ ق

۴. انصاریان، حسین، **تفسیر حکیم**، قم، دارالعرفان

۵. توفیقی، حسین، **آشنایی با ادیان بزرگ**، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی
دانشگاه‌ها (سمت) موسسه فرهنگی طاها ۱۳۸۰ ش

۶. توماس، میشل (ترجمه) حسین توفیقی، **کلام مسیحی**، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب
۱۳۸۷

۷. دستغیب، علی اصغر، **حیات ابدی**، چاپ اول، شیراز، نوید شیراز ۱۳۸۹ ش

۸. دهخدا، علی اکبر، **لغتنامه دهخدا**، چاپ دوم، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران ۱۳۷۷
ش

۹. زالسکی، کارول Carol zaleski، **سفرهای دیگر جهانی با تجربه‌های نزدیک به مرگ در دوران
قرون وسطی و دوران مدرن**، انتشارات دانشگاه آکسفورد ۱۹۸۷

۱۰. زکی‌زاده رنانی، علیرضا، **پژوهشی قرآنی و روایی درباره معراج پیامبر صلی الله علیه و آله**،
چاپ دهم، قم، آستان مقدس قم انتشارات زائر ۱۳۹۴ ش

۱۱. سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، **درآمدی بر الهیات تطبیقی اسلام و مسیحیت**، قم، کتاب طاها
۱۳۹۳ ش

۱۲. شریف الرضی، محمد بن حسین، **نهج البلاغه**، (للمصیبهی صالح) چاپ اول، قم، هجرت ۱۴۴۴

۱۳. شفیع‌ی مازندرانی، سید محمد، **زندگی برزخی و ارتباط با برزخ نشینان**، چاپ اول، قم، مسجد
مقدس جمکران ۱۳۸۷ ش

۱۴. طباطبایی، محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات ۱۳۹۳ ق

۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، تهران، فراهانی
۱۶. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، چاپ سوم، تهران، مرتضوی ۱۳۷۵ ش
۱۷. کلانتری ابراهیم، راز هستی سیری در رستاخیز جهان، چاپ دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۴۰۱ ش
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر ۱۴۳۰ ق
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الروضه من الکافی یا گلستان آل محمد (ترجمه کمره‌ای)، چاپ اول، تهران، کتابفروشی اسلامیة ۱۳۸۲ ش
۲۰. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه (با ترجمه فارسی)، قم، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر ۱۳۸۹ ش
۲۱. محمودی، حسنعلی، محمد (صلی الله علیه و آله)؛ میهمان قدسیان (ویژه معراج پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله)، قم، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش های اسلامی ۱۳۸۵ ش
۲۲. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ اول، ج ۱۴، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۶۸ ش
۲۳. محمدی نیا اسدالله، لحظه جان دادن، قم، سبط اکبر علیه السلام ۱۳۸۲ ش
۲۴. هانس کنگ (مترجم) حسن قنبری، ساحت های معنوی ادیان جهان؛ نشانه راه، چاپ اول، قم، مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب ۱۳۸۷
۲۵. اعتمادی نیا مجتبی، مقاله بررسی انتقادی تفسیر زالسکی از تجربه های نزدیک به مرگ، نشریه هفت آسمان، پاییز ۱۳۹۱ سال چهاردهم، شماره ۵۵
۲۶. ساعی محبوبه، قاسمیان نژاد علی نقی، مقاله بررسی چیستی تجربه نزدیک به مرگ و نقد دیدگاه های متناظر با آن، نشریه اندیشه نوین پاییز ۱۳۹۳ شماره ۳۸

۲۷. فیروزی لیلا، آثر اسدالله، بختیاری فاطمه، مقاله تبیین تجربه‌های نزدیک به مرگ بر اساس نظریه عالم مثال سهروردی، فلسفه دین، دوره ۱۹، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱

۲۸. هاوارد، استوم، **My Descent Into Death: A Second Chance at Life**، دابل دی، Doubleday، ۲۰۰۵

۲۹. ریچی، جرج، George G. Ritchie، شریل، الیزابت، Elizabeth Sherrill، **Return from Tomorrow**، Baker Publishing Group، ۱۹۷۸

-noorlib.ir

-Hadith.net